

Handwritten Arabic calligraphy, likely a signature or a specific phrase, rendered in a highly stylized and dense script. The text is written in black ink on a white background. The calligraphy features thick, bold strokes and intricate flourishes, characteristic of a cursive style like Maghribi or Thuluth. The overall shape is roughly rectangular, with a diagonal line crossing through the upper portion. The text is difficult to decipher due to its extreme stylization.

Handwritten Arabic text, possibly a signature or a specific phrase, rendered in a simple, cursive script. The text is written in black ink on a white background. The characters are more distinct and less stylized than those in the main calligraphic block above. The text appears to be a name or a short phrase, but it is not clearly legible.

دانشگاه تهران
دانشکده منابع طبیعی

بررسی مبانی فرهنگ مرتعداری در بین گله داران البرز شرقی

۱۳۸۲ / ۷ / ۲۰

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

نگارش:

حسین بارانی

استاد راهنما:

دکتر علی اکبر مهرابی

۱۳۸۲ / ۷ / ۲۰

استادان مشاور:

دکتر محمدرضا مقدم دکتر مرتضی فرهادی

رساله جهت دریافت درجه دکتري

در رشته

مرتعداری

۴۸۹۳۱

خرداد ۱۳۸۲



«صورتجلسه»

جلسه دفاع از پایان نامه دکترای آقای حسین بارانی
دانشجوی رشته مرتعداری به شماره دانشجویی ۷۲۰۱۷۵۰۴۱

تحت عنوان:

«بررسی مبانی فرهنگ مرتعداری در بین گله داران البرز شرقی»

در ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۸۲/۳/۱۲ در سالن اجتماعات شهید مطهری

برگزار گردید و بانمره ۱۹,۸ درجه عالی مورد قبول واقع شد.

استاد راهنما:

آقای دکتر علی اکبر مهربانی

استادان مشاور:

آقای دکتر محمدرضا مقدم

آقای دکتر مرتضی فرهادی

استادان داور: آقای دکتر بهرام پیمانی فرد

آقای دکتر منصور مصداقی

آقای دکتر تقی شامخی

آقای دکتر حسین ارزانی

مدیر گروه:

آقای دکتر حسن احمدی

ارزاء اجتماعات آران علمی ایران
تاسیس ۱۳۳۷



ای مالک

... باید که از مردم چندان فاصله نگیری،
چون دوری متولیان از مردم
نوعی مضایقه و نا آگاهی از امور است.
دوری جستن از مردم ، بی خبری
از آنچه روی می دهد را در پی دارد.
در نتیجه بزرگ کوچک می نماید
و کوچک بزرگ جلوه می کند،
کار نیک ناپسند و کار ناپسند نیکو شمرده میشود
و حق و باطل به هم درمی آمیزند.

فرازی از نامه امام علی(ع) به مالک اشتر

خلاصه

در این تحقیق فرهنگ مرتعداری / شبانی در بین شبانان منطقه البرز شرقی به شیوه مشارکتی و در یک دوره یکساله بررسی شده است. بیانگرها به صورت تشخیصی تعیین شده و اطلاعات از طریق مصاحبه و مشاهده حین مشارکت با آنان جمع آوری و تدقیق شدند. این اطلاعات در مرحله نهایی بصورت مقوله بندی تجزیه، تحلیل و تدوین شدند. یافته ها حاکی از تطابق و در هم تنیدگی فرهنگ با محیط است. نظام شبانی مستلزم وجود عناصری چون گله، شبان، چراگاه، جایگاه و منابع آب است. کارکرد این مجموعه بصورت تقویم شبانی شامل پنج دوره نرکل انداختن، نگهداری از دام آبستن، زهگاه و تیمار خلامه ها، بره دنبال و در نهایت دام و دوش قابل بیان است، شبانان زمان و مکان چرای دام را در عرصه چراگاه متناسب با اقتضائات محیطی و انسانی تنظیم می کنند و فنونی را برای حفاظت از دام و علوفه، هدایت گله و تنظیم ترکیب و تولید گله به کار می بندند. مصنوعات آنها اعم از پوشاک، خوراک و ابنیه با شرایط محیطی و شغلی آنان تطابق یافته اند. سازمان و مناسبات کار شبانی به نحوی است که واجد مشاغل تخصصی است. خرده مالکانی که برای تشکیل این واحدها امکانات لازم را نداشته باشند، با وره‌مکاری راه را برای تداوم کار و حرفه هموار می سازند. عرف موجود نزد آنها با درجات مختلفی از الزام قواعد این مناسبات و مواردی چون مالکیت را تعیین می کند. نظام اعتقادی شبانان با تأثیر بر عرف، روابط انسانها با یکدیگر یا با محیط را در ارجاع به دستگاه مابعدالطبیعه شکل می دهد. ادبیات شفاهی نیز متناسب با امور شبانی غنا یافته و واجد واژگان یا مضامینی شده است که دانش و تجارب شغلی را انتقال می دهد. نتیجه نهایی این بررسی را می توان چنین بیان نمود که اگر انسان بعنوان موجودی دارای فرهنگ از سایر موجودات متمایز شود، آنگاه اجزاء طبیعت را می توان به چهار مؤلفه جماد، نبات، حیوان و انسان تقسیم کرد که در مابعدالطبیعه محاطند. با این انگاره شناخت اکوسیستم واقع بینانه تر شده و امکان ارتباط میان رشته ای بین علوم بوم شناختی و علوم انسانی بیشتر می گردد.

واژگان کلیدی: شبانی، مرتعداری سنتی، بوم شناسی فرهنگی، بوم شناسی مرتع، گله گردانی، البرز شرقی

پیشگفتار

و در اینکه گله هایتان را شامگاهان از چرا باز می گردانید
و بامدادان آنها را به چرا می برید شما را در آن جمالی است.
(قرآن کریم سوره نحل آیات ۵ و ۶)

بازگرداندن گله از چرا در شامگاهان و بردن آن به چرا در بامدادان شاید همان است که در زبان فارسی با کلمات شبانی یا گله داری متمایز می شود و نظام سنتی بهره برداری از مرتع در ایران و بسیاری از نقاط جهان را می نمایاند.

نگارنده با مروری که بر کتب، مقالات و پایگاههای اینترنتی مربوط به گله، گله داری و نظامهای بهره برداری از مرتع داشته است، معتقد است، بهره برداری از مراتع در ایران با کشوری چون ایالات متحده آمریکا - که دانش مرتعداری در آنجا توسعه زیادی یافته است - تفاوتهای بسیاری دارد که حداقل چهار مورد آن قابل تأمل است:

◀ در آمریکا بر پرورش گاو و در ایران بر پرورش گوسفند تأکید می شود.

◀ تحرک و جابجایی فصلی در آمریکا کم و در ایران زیاد است.

◀ تراکم تولید گیاهی و بالتبع دامی در آمریکا فشرده ولی در ایران گسترده است.

◀ شیوه تعلیف و چراندن در آمریکا حصارکشی ولی در ایران گله گردانی است.

با این اوصاف گله داری در آمریکا به گاوچرانی و در ایران به چوپانان ختم می شود. در آمریکا گاوچران دارای جایگاهی است که از نوعی قداست برخوردار است، تا آنجا که این عنوان شغلی گاهی با نام اسطوره شناخته می شود (ورنر ۲۰۰۲). نقش او در مدیریت دام و چراگاه برجسته دانسته شده و بررسی داستانها، حماسه ها و فرهنگ عامیانه اش به عنوان امری مرتبط با مرتع و مرتعداری شناخته می شود.

به همین قیاس چوپانی هم در برخی کشورها جایگاه برجسته ای دارد: دکتر حسن تاج بخش (۱۳۷۹ ب) عضو پیوسته فرهنگستان علوم در کتاب «تاریخ پزشکی و دامپزشکی ایران» ذکر می کند که در سفری که سال ۱۳۷۳ به ترکمنستان داشته است، از رئیس دامپزشکی آن کشور شنیده است که در آنجا

بالاترین حقوق و دستمزد متعلق به چوپانان، بعد به معلمان و در مرتبه سوم به پزشکان و دامپزشکان اختصاص می یافته است. نگارنده نیز در کاوشهای اینترنتی فردی را یافت که خود را دارای مدرک و عنوان چوپانی از آلمان معرفی کرده و چندین سال در آلمان و هم اکنون نیز در امریکا مدیریت و هدایت گله را بر عهده داشته و دارد^۱.

در ایران نیز در فرهنگ گذشتگان چوپانی از جایگاه برجسته ای برخوردار بوده است. در ایران باستان یکی از خدایان به نام **دموزی** خدای شبان نامیده می شده است (تاجبخش ۱۳۷۹ الف). در تاریخ ادیان، بیشتر پیامبران ابتدا شبان بوده اند. مولوی این نکته را چنین بیان می کند:

مصطفی فرمود که خود هر نبی کرد چوپانی چه برنا چه صبی
بی شبانی کردن و آن امتحان حق ندادش پیشوایی جهان
تا شود پیدا وقار و صبرشان کردشان پیش از نبوت حق شبان
گفت سائل که تو هم ای پهلوان گفت من هم بوده ام دیری شبان

اما امروزه متأسفانه کمترین بها نیز به چوپانی داده نمی شود و کمال تأسف در این است که امروزه در محاوره عوام و خواص، چوپان نشانی از نادانی است. این همه ظاهراً از نوعی خودکامگی گویندگان نشأت می گیرد و شاید معلول کم التفاتی به فرهنگ و سنت و خودباختگی به جای خودباوری است^۲. ولی آیا می توان راه توسعه و تعالی را بدون توجه به سنتها درنوردید؟ یک ضرب المثل شرقی چنین می گوید^۳:
آنها که نمی دانند از کدام ده آمده اند هرگز دهکده ای را که در جستجویش هستند نخواهند یافت.

شبانی در برگرفته فنون گسترده ای است. شبانان این دانش و فنون را سینه به سینه از استادکاران خود و با تجربه نزد آنان فرا گرفته اند. آنها نیز به همین نحو آموخته بودند. اما در حال حاضر که خودشان استاد شده اند شاگردانی نمی یابند که مشتاق فراگیری این تجارب باشند. دانش و تجاربی که از گذشته ای دور و ناپیدا سلسله وار به عصر حاضر رسیده است در راه انتقال به نسل آینده با چالش کم التفاتی روبرو است. تحقیقات، آموزش و اجرا در شناخت و ساماندهی نظام شبانی در راستای مدیریت دام و مرتع کم توجهی نموده اند. این در حالی است که تغییر الگوی مدیریتی از شیوه سنتی به شیوه های مدرن با چالشهای

^۱ - مکاتبات شخصی (۱۳۸۱) - نیز رجوع شود به آدرس اینترنتی: <http://users.nac.net.ulf/biography.htm>

^۲ - رجوع شود به: حاضری و علیحای (۱۳۷۷)

^۳ - به نقل از چارلز بی هندی (۱۳۷۵) کتاب عصر تضاد و تناقض

عدیده اقتصادی (نظیر هزینه بر بودن حصار کشی) اجتماعی (چون دزدی و ناامنی) و زیست محیطی (مانند فراوانی و تنوع ناهمواریها و وفور درندگان) روبرو است. نظام شبانی و هدایت گله با چنین محدودیتهایی سازگار است.

این نکته را در نوشته های هانری پایو (۱۳۴۸) - که نزد جامعه علمی مرتعداری و بخصوص پیشکسوتان جایگاه خاصی دارد- بازخوانی می کنیم:

«... روش عشایر شاید تنها روش صحیح و سازگار با شرایط مشکل و توپوگرافی نامنظم و تغییرات پیش بینی نشده مناطق وسیع استپی و نیمه استپی ایران باشند...»
«... امور عشایر طبق نظم خاصی انجام شده و دامها بر اساس موجودی منابع علوفه ای متفرق و مجتمع می گردند. آیا کلیه این امور را نمیتوان مرتعداری نامید؟...»

نگارنده بواسطه آنکه از بدو تولد در روستا سکونت داشته است، همواره با واگراییهایی بین دانش و روشهای رسمی و تجارب محلی و شیوه های سنتی برخورد داشته و بعضاً مورد سؤال قرار می گرفته است. از اینرو پس از غور و تأمل درباره این چالش در حوزه مرتعداری، فرصت تحقیقات دکترا را برای بررسی و فهم نسبی این واگراییهها معتنم دانست و ناچار شد راهی دیگر را نیز اندکی تجربه کند و پس از حدود ده سال تحصیل دانشگاهی، سالی را نیز به همراهی با چوپانان بگذراند و اگر بتواند دریافتهای خود را نیز به دیگران منتقل کند^۱. این کار یعنی انجام پژوهشی میان رشته ای که یک روی در مرتعداری و یک روی در مردم شناسی دارد. در آغاز قصد بود فرهنگ شبانی در البرز شرقی و بصورت موردی در بین شبانان منطقه شاهکوه بررسی شود، لیکن در سیر مراحل قانونی تصویب، اقبال بر آن شد که تمام البرز شرقی بعنوان منطقه تحت بررسی انتخاب شود و کلمه شبانی حذف و مرتعداری جای آنرا بگیرد. متناسب با این تغییرات کلمه مبانی نیز به عنوان پژوهش افزوده شد تا فضای موضوعی پژوهش را بهتر بنمایاند. بدینسان در مرحله جمع آوری اطلاعات باید سبکی انتخاب می شد که ضمن پوشش دادن کل منطقه در بررسیها، وجه ژرفانگری تحقیق نیز کمرنگ نگردد. بدین لحاظ بخش بسطام (از شهرستان شاهرود) بعنوان ثقل جغرافیایی و فرهنگی منطقه منظور شده و بخصوص در تدوین گزارش مبنا قرار گرفته است.

^۱ - من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر من ناتوان ز گفتن و خلق از شنیدنش

نکته آخر آنکه به جهت عطف و تکیه موضوع تحقیق بر فرهنگ، صبغه مردم شناسختی پژوهش در ساختار کلی متن غالب گردید و متن رساله به شکل گفتارهایی کم و بیش مستقل ظاهر گردید. از آنجا که رساله برای دریافت درجه علمی در رشته ای غیر از مردم شناسی ارائه می شود و تصور می شود مخاطبین آن به جنبه های فنی بیش از جنبه های انسانی علاقمندند، در مرحله تدوین بر تبیین کارکردها تکیه شده و جز در مواردی اندک، پرداختن به تطور و اشاعه عناصر فرهنگی عجالاً خارج از هدف تحقیق قلمداد شده است. انشاء جملات و مطالب نیز به اقتضای پژوهشهای کیفی و مردم شناسی، سبکی متفاوت از انشای رساله ها و گزارشهای پژوهشی در علوم طبیعی دارد. سه وجه این تمایز لازم است توضیح داده شود. اول آنکه در جمع بندی هر گفتار و یا در دیگر قسمتهای متن، نثر ممکن است واجد بار عاطفی و اندکی گزنده باشد. دوم آنکه در ذکر منابع و استناد به نوشته های دیگران، علاوه بر نام مؤلف یا مؤلفان نام اثر تألیفی نیز گهگاه ذکر شده است. و دیگر آنکه برخی جملات در گفتاری دیگر تکراری می نماید. گزنده بودن جملاتی از متن ناشی از کیفی بودن پژوهش و برای جلب توجه مخاطب به قضایایی است که چندان مهم تلقی نشده اند. ذکر نام اثر تألیفی از یکنواختی و خشکی قالب جملات می کاهد و در نوشته هایی که به مسایل فرهنگی می پردازند امری کم و بیش معمول است. تکرار برخی از جملات و یافته ها در گفتارهای دیگر به اقتضای عنوان مطالب بوده و نگارنده بعضاً چاره ای جز آن نیافته است.

سپاسگزاری

سپاس و ستایش بی اندازه به درگاه خداوند مهربان که توفیق عنایت کرد تا تحقیق حاضر صورت وجود گرفته و قابل عرضه به دانشگاهیان، کارشناسان و علاقمندان فرهنگ این سرزمین باشد. در سایه این عنایات. حمایت‌های علمی و معنوی اساتید بزرگوار امکان انجام این تحقیق را فراهم ساخت. افتخار داشتم در این رساله از هدایای آقای دکتر علی اکبر مهابی در مقام استاد راهنما و آقایان دکتر محمدرضا مقدم و دکتر مرتضی فرهادی در مقام استاد مشاور بهره مند گردم. آقای دکتر مهابی در تمام مراحل تحقیق، بطور مداوم و استوار اما بدون تحکم، نظرات و انتقادات خویش را به بنده مبذول می داشتند. مطمئناً اگر نقدها و ارشادات ایشان نبود، رساله بصورت حاضر مشتمل بر موضوعات متعدد نبوده و غنای چندانی نمی یافت. آقای دکتر مقدم با درایتی کم نظیر همواره بنده را مرهون رهنمودها و حمایت‌های علمی و معنوی خویش داشتند. یقیناً بدون این عنایات امکان تبیین ضرورت و ترسیم فضای علمی و فنی موضوع بی نهایت دشوار و چه بسا امکان ناپذیر می شد. آقای دکتر فرهادی از تجارب ارزنده بیشماری که در مردم شناسی دارند، نکات و رهنمودهای لازم را در مراجعات مکرر و سرزده اینجانب به من هدیه می کردند. بی شک اگر ارشادات راهگشای ایشان نمی بود، اینجانب حساسیت لازم برای یک پژوهش مردم شناختی - آن هم در سطح انجام یک رساله دکتری را - پیدا نمی کردم. سپاس و ارادت قلبی خودم را به هر سه بزرگوار نثار می دارم.

از تک تک اساتید محترم گروه احیای مناطق خشک و کوهستانی بخصوص آقای دکتر حسن احمدی که مجال انجام چنین پژوهشی را برای رساله دکترم فراهم ساختند تشکر می کنم.

آقای دکتر تقی شامخی در زمان تصویب طرح تحقیق در سمت معاونت تحصیلات تکمیلی، پس از آن در جایگاه یک استاد رایزن و در نهایت در مقام استاد داور، حمایتها و رهنمودهای ارزنده ای را مبذول داشتند. سپاسگزار عنایات ایشانم.

آقایان دکتر بهرام پیمانی فرد، دکتر منصور مصداقی و دکتر حسین ارزانی، داوری این پایان نامه را تقبل فرموده و نکات ارزنده ای را برای کاستن از نواقص ارائه فرمودند. سپاسگزار بذل محبت این بزرگواران هستم.

آقایان دکتر محمد جعفری، دکتر محمود زبیری و دکتر محمد رضا مروی مهاجر در سمت‌های مختلفی که در دانشکده منابع طبیعی کرج داشته اند و همچنین تمامی اساتید بزرگوارانی که در درس یا مباحثات غیر

درسی از محضرشان کسب فیض کرده ام، به مناسبت‌های مختلف از عنایاتشان برای انجام این تحقیق دلگرمی می‌گرفته‌ام، از این بابت از ایشان قدردانی می‌نمایم.

انجام این تحقیق مستلزم همراهی و هم‌کلامی با گله‌داران و چوپانان البرز شرقی بوده است. افرادی که بدون هیچ چشمداشت و مضایقه‌ای اطلاعات کار و حرفه خود را به من مبدول می‌داشتند. ارادت خویش را به روی گشاده‌تک‌تک آنان تقدیم می‌کنم.

آقای دکتر عباسعلی سندگل، آقایان سید حمید حبیبیان، جلیل فرزاد مهر و جواد کریمی، علی طویلی، محمدعلی زارع، دانشجویان دوره دکترا، آقایان مهندس جواد مقیمی، مهندس مسلم مظفری، مهندس هومن قدسی راثی، مهندس حسین صدیقی، مهندس علی نظری، مهندس حسین محمودی، مهندس عباس احمدی، مهندس عباس بارانی، مهندس ناصر بارانی، مهندس شمسیان، مهندس سعیدی، مهندس بلوکی، مهندس سلامی، مهندس عبدالعظیم کُر، مهندس پاکدامنی، مهندس ادهمی مجرد، مهندس اکبر جوادی، مهندس مهدی الله مرادی، مهندس جمیل صیادی، مهندس مهدی عابدی، مهندس علی اسفندیاری و دیگر بزرگواران و همچنین آقایان حاج سید کمال حسینی، سید مرتضی مرتضوی، ابراهیم سعیدی، محسن بامری، سید عبدالله مرتضوی و در مرور متن مقدماتی رساله یا در گفتگو درباره موضوع آن نکات ارزشمندی را به من یادآور شده یا در مراحل مختلف انجام کارهای صحرایی یا ستادی متقبل زحماتی شده‌اند. از تمام این بزرگواران سپاسگزارم.

خانواده گرامیم فضای روانی لازم برای انجام این تحقیق را فراهم داشتند. پدر دلسوز و همسر فداکارم بطور مداوم مرا تحت حمایت‌های مادی و معنوی خویش داشتند. دیگر منسوبین نیز درخور توان خود سهمی از به ثمر رسیدن کار را بر عهده داشتند. خود را رهین منت تمامی آنان می‌دانم.

آقای علیرضا محمدی سنگر در تایپ متن مقدماتی گفتارهای رساله و نیز در چاپ مکرر و تکثیر متعاقب آن زحمات بسیاری کشیده‌اند. در موارد لازم فداکارانه ساعات آسایش خود را برای انجام کار بنده اختصاص می‌دادند. مراتب سپاس خویش از ایشان را اعلام می‌دارم.

در مراحل مختلف کار برای کارشناسان دستگاه‌های مختلف مرتبط با دام و مرتع در دو استان سمنان و گلستان و افرادی از اقوام، دوستان و آشنایان زحماتی ایجاد کرده‌ام یا آنکه خودشان از سر محبت، بنده نوازی کرده‌اند. خودم را سپاسگزار و منت پذیر تمامی آنها می‌دانم.

اگر توجه به اقتضای زحمتکش فراموش شده در قالب یک رساله را اجری باشد. این اجر را متعلق به

کسانی می‌دانم که به من یاری رساندند و خودم را از آن بی‌بهره می‌دانم.

فصل اول- کلیات، منطقه و روش بررسی

۱	گفتار اول - مقدمه، زمینه و سابقه پژوهش
۱	۱-۱- مقدمه
۴	۱-۱-۱- هدف پژوهش
۴	۲-۱-۱- تعاریف و مفاهیم پایه
۵	۳-۱-۱- شناخت فرهنگ
۵	۱-۳-۱-۱- مکاتب فرهنگ شناسی
۶	۲-۳-۱-۱- گونه شناسی فرهنگ
۷	۴-۱-۱- فرهنگ مرتعداری
۷	۲-۱- زمینه پژوهش
۷	۱-۲-۱- روندهای علمی معطوف به فرهنگ
۱۳	۲-۲-۱- دانش و فن آوریهای مردمی
۱۴	۱-۲-۲-۱- تعریف و توصیف دانش بومی
۱۴	۲-۲-۲-۱- نقش و کارکرد دانش بومی
۱۵	۳-۱- سابقه پژوهش
۱۹	گفتار دوم - منطقه و روش بررسی
۱۹	۱-۲- منطقه بررسی
۲۱	۱-۱-۲- ویژگیهای عمومی
۲۱	۲-۱-۲- ویژگیهای طبیعی
۲۱	۱-۲-۱-۲- سیمای گیاهی
۲۴	۲-۲-۱-۲- سیمای کشاورزی
۲۴	۳-۲-۱-۲- سیمای دامداری

۲۶	۳-۱-۲- ویژگیهای انسانی
۲۶	۱-۳-۱-۲- تقسیمات سیاسی
۲۷	۲-۳-۱-۲- گروههای قومی
۲۸	۲-۲- روش پژوهش
۲۸	۱-۲-۲- پژوهش کیفی و اقتضانات آن
۳۱	۲-۲-۲- پژوهش کیفی به شیوه مشارکتی
۳۱	۱-۲-۲-۲- انتخاب بیانگر
۳۳	۲-۲-۲-۲- یافتن بیانگرها
۳۴	۳-۲-۲-۲- مصاحبه و مشاهده
۳۶	۴-۲-۲-۲- لوازم و ابزار همراه
۳۸	۵-۲-۲-۲- مخاطرات و دشواریها
۳۸	۱-۵-۲-۲-۲- مخاطرات و آزردهای جسمی
۳۹	۲-۵-۲-۲-۲- مخاطرات و آزردهای عاطفی
۴۱	۳-۲-۲- تجزیه و تحلیل اطلاعات
۴۱	۱-۳-۲-۲- تجزیه و تحلیل مقدماتی
۴۱	۲-۳-۲-۲- تجزیه و تحلیل نهایی
	فصل دوم- تقویم و ملزومات شبانی
۴۴	گفتار سوم - کلیات ، مقدمات و تقویم شبانی
۴۴	۳- ۱ - نمونه موردی
۴۴	۱-۱-۳- مقدمات و ملزومات گله داری
۴۶	۲-۱-۳- چرخه کار شبانی
۵۳	۲-۳- ملزومات و تقویم شبانی
۵۵	۲-۳- تقویم شبانی
۵۵	الف- دوره نرکل انداختن

۵۶	ب- دوره نگهداری از دام آبستن
۵۶	ج- دوره زهگاه و تیمار خلامه ها
۵۷	د- دوره بره دنبال
۵۷	ه- دوره دام و دوش
۶۰	گفتار چهارم - مصنوعات
۶۰	۱-۴- مقدمه
۶۱	۲-۴- پوشاک
۶۲	۱-۲-۴- پوشاک شبانان در البرز شرقی
۶۴	۲-۲-۴- کارکردهای پوشاک شبانی
۶۵	۳-۴- کار ابزار
۶۶	۱-۳-۴- کار ابزار شبانی در البرز شرقی
۶۶	۱-۱-۳-۴- لوازم و ابزار چوپانی
۶۹	۲-۱-۳-۴- لوازم و ابزار منزلبانی
۷۲	۲-۳-۴- کارکردهای ابزار و لوازم
۷۲	۴-۴- خوراک
۷۳	۱-۴-۴- خوراک شبانان در البرز شرقی
۷۴	۲-۴-۴- کارکردهای خوراک شبانی
۷۵	گفتار پنجم - اماکن و ابنیه ملازم با شبانی
۷۵	۱-۵- بررسی و مرور منابع برگزیده
۷۵	۱-۱-۵- متون برگزیده علوم انسانی
۷۶	۲-۱-۵- متون برگزیده علوم دامی
۷۷	۳-۱-۵- متون برگزیده مرتعداری
۷۸	۲-۵- اماکن و ابنیه شبانی در منطقه بررسی

۷۹	۱-۲-۵- جایگاه
۷۹	۱-۱-۲-۵- چفت (جایگاه قشلاقی)
۸۱	۲-۱-۲-۵- بنه (جایگاه بیلاقی)
۸۳	۲-۲-۵- خسه گاه
۸۴	۳-۲-۵- اوگاه
۸۵	۴-۲-۵- کنگاه
۸۵	۵-۲-۵- شورگاه
۸۶	۳-۵- کارکرد اماکن و ابنیه شبانی

فصل سوم - شناخت محیط و تنظیم چرای دام

۸۹	گفتار ششم - شناخت شبانان از محیط
۸۹	۱-۶- مقدمه
۸۹	۲-۶- دانش محیط شناسی نزد شبانان
۹۰	۱-۲-۶- جمادات
۹۰	۱-۱-۲-۶- پدیده های زمینی
۹۲	۲-۱-۲-۶- پدیده های آسمانی
۹۲	۱-۲-۱-۲-۶- پدیده های جوی
۹۳	۲-۲-۱-۲-۶- پدیده های نجومی
۹۳	۲-۲-۶- گیاهان
۹۳	۱-۲-۲-۶- شناخت نام گیاهان
۹۵	۲-۲-۲-۶- شناخت مکان رویش گیاهان
۹۵	۳-۲-۲-۶- شناخت تقویم رشد گیاهان
۹۵	۴-۲-۲-۶- شناخت سیمای گیاهی
۹۶	۳-۲-۶- جانوران
۹۶	۱-۳-۲-۶- دانش و آگاهی درباره جانوران وحشی